نداي آسماني

سيد حسن زماني

چکيده

ميان علامت‌هاي قيام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نداي آسماني جايگاه ويژه‌اي دارد. مطرح شدن اين مطلب در روايات فراوان، تطبيق آياتي از قرآن توسط اهل‌بيت عليه السلام بر آن، مطرح شدن آن در آخرين توقيع، حتمي بودن و آغاز ظهور حضرت به وسيله ندا، نشان از اهميت آن دارد. مهم‌ترين هدف از نداي آسماني، شناساندن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به جهانيان و اعلان آمدن او است. در اين نوشتار، ابتدا مباحث «واژه شناسي ندا»، «هدف از اعلان ندا»، «نشانه‌هاي حتمي و بدا»، و «نداي آسماني در قرآن کريم» مطرح مي‌شوند، سپس نداي آسماني معرفي و به وظيفه مخاطبان ندا و نداهاي ديگر و نداي آسماني از نگاه عامه اشاره مي‌شود.

کليد واژه‌ها: ندا، صيحه، ظهور، اعلان، حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، نشانه حتمي، بدا.

مقدمه

وعده ظهور برقرار کننده عدالت در جهان و برچيننده ظلم از گيتي، برجسته‌ترين آينده بيني حجت‌هاي پروردگار است که همة اديان آسماني از آن خبر داده‌اند. اين حادثه، به قدري با ارزش است که آينده نگري‌هاي وحياني، نشانه‌ها و حوادث پيرامون آن را بازگو كرده‌اند. بخش زيادي از روايتهاي اسلامي در بحث مهدويت، مربوط به علامت‌هاي قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است.

ميان نشانه ها، «ندا يا صيحه آسماني» جايگاه ويژه‌اي دارد؛ زيرا ده‌ها حديث دربارة آن به دست ما رسيده است. آياتي از قرآن کريم ـ به ويژه آيه چهارم سوره شعراء ـ طبق روايت‌هاي تفسيري بر آن دلالت دارند. اين نشانه، در توقيع آخر براي نايب چهارم علي بن محمد سمري مطرح شده و ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف منوط به خروج سفياني و صيحه آسماني معرفي شده است.

علاوه بر اين، نداي آسماني از نشانه‌هاي حتمي قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به شمار مي‌آيد. با اين ندا، نام و نسب و برحق بودن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و پيروانش براي جهانيان اعلان مي‌شود و مردم از زمان ظهور آگاه مي‌شوند. مي‌توان گفت با آمدن فردي با خصوصيت‌هاي سفياني از وادي يا بس و تسلط او بر منطقه خاور ميانه و رخ ندادن «نداي آسماني » نمي‌توان ادعا کرد اين فرد، همان سفياني مطرح شده در علايم حتمي متصل به قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است؛ ولي با اعلان نداي آسماني ظهور حضرت رقم مي‌خورد.

در اين نوشتار، مطالبي دربارة ندا، به صورت فشرده مطرح مي‌شود و سپس به بحث اصلي دربارة آن مي‌پردازيم.

الف. واژه شناسي ندا

در احاديث ندا، واژه‌هاي « ندا» «صيحه» «صوت» «اعلان» «فزعه» و «هدّه» به کار رفته است كه به توضيح اجمالي آن‌ها مي‌پردازيم:

1. واژه «ندا» به معناي خواندن با صداي بلند است. «النداء رفع الصوت و ظهوره؛ ندا بلند کردن و آشکار کردن صدا را گويند» (راغب، بي‌تا: ص486). در روايت‌ها، واژه «ندا» بيشتر براي صدايي بامحتوا، به كار رفته است.

2. واژه «صيحه» به معناي فرياد يا صداي بسيار بلند است. «الصوت بأقصي الطاقة؛ مراد از صيحه، صدا با نهايت توان است» (طريحي، 1362: ج2، ص389). اين واژه در احاديث ندا، براي صداي با محتوا استفاده شده است.

3. واژه «صوت» به معناي صداي سخن است. «الصوت في العرب جرس الکلام» (طريحي، همان: ص209). صوت در زبان عربي به معناي صداي سخن است.

در چندين روايت از احاديث ندا، کلمه «صوت» آمده است. در حديثي، عبدالله بن ابي يعفور از امام جعفر صادق عليه السلام مي‌پرسد: «مراد از صوت چيست؟ آيا همان ندا دهنده است؟» فرمود: «بلي و به وسيله آن، صاحب اين امر شناخته مي‌شود» (نعماني، 1422: ص266).

4. واژه «اعلان» به معناي «آشکار کردن» آمده است. «علن الامر…أي شاع و ظهر؛ علن الأمر، يعني آن امر را آشکار و پخش کرد» (فراهيدي، 1409: ج2، ص141).

تنها در يک روايت از احاديث ندا، کلمه «يعلن» آمده است. اين حديث، از امام رضا عليه السلام نقل شده است که مي‌فرمايد: «بردن نامش در دوران غيبت جايز نيست تا اين‌که ايشان را مي‌بينند و نامش اعلان مي‌شود و تمامي مردم آن را مي‌شنوند» (خصيبي، 1419، ج1: ص364). در نتيجه «اعلان» در اين روايت، به معناي آشکارا بيان شدن نام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف براي همة مخلوقات است.

5. واژه «فزعه» به معناي ترس است. «فزع منه… أخافه و روعه؛ فزع منه، يعني از او ترسيده و هراسناک شده» (ابن منظور، بي‌تا: ج8، ص251). اگر درباره نداي آسماني، اين واژه را بپذيريم، ترسناکي نداي آسماني را روشن مي‌کند.

6. واژه «هدّه» به معناي صدايي است که از فرو ريختن يا انهدام چيزي شنيده مي‌شود. «الهدّ هدم له وقعٌ و سقوط شيء ثقيل و الهدّة صوتُ وقعِهِ؛ هدّ به معناي انهدامي است که همراه فرو ريختن و سقوط شيء سنگيني باشد. الهدّة، صداي فرو ريختن آن را گويند» (راغب، همان، ص537). در احايث شيعه، تعبير «هدّه» دربارة ندا نيامده است؛ ولي در تعداد قابل ملاحظه‌اي از روايت‌هاي عامه، تعبير «هدّه» به كار رفته است.

در روايتي عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلي الله عليه و آله مي‌پرسد:‌ اي رسول خدا! مراد از صيحه چيست؟ فرمود: صدايي است که در نيمه رمضان شنيده مي‌شود» (مروزي، 1423: ج1، ص185).

ب. هدف از اعلان ندا

1. شناساندن حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به جهانيان

مهم‌ترين هدف نداي آسماني، شناساندن امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف به جهانيان است؛ زيرا قيام آن امام، انقلابي جهاني است و شناسايي او نيز بايد جهاني باشد، تا حجت بر همگان تمام شود و نگويند راه و مسير حق را نشناختيم. در روايتي وقتي عبدالله بن ابي يعفور از امام جعفر صادق عليه السلام مي‌پرسد: «آيا مراد از صوت، همان ندا دهنده است؟» حضرت در پاسخ مي‌فرمايد: «بلي و به وسيله آن، صاحب اين امر شناخته مي‌شود (نعماني، همان: ص266).

2. بشارتي براي مؤمنان و رنجشي براي کافران

پيروان حق با شنيدن نداي آسماني، نشاط و شادابي خاصي مي‌يابند و آگاه مي‌شوند که مولايشان بعد از قرن‌ها انتظار مي‌آيد و در پرتو آن، حق و عدالت همه جا را نوراني خواهد کرد. گويي با شنيدن ندا، روحي تازه در وجودشان دميده مي‌شود. از سوي ديگر، دشمنان حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف با شنيدن آن ندا، مي‌فهمند برابر قدرت آسماني او تواني ندارند و نمي‌توانند مقاومت کنند. از امام رضا عليه السلام نقل شده است:

هنگام فقدان آب گوارا، بسياري از مردان و زنان مؤمن، دلسوخته و متأسف و اندوهناکند. گويي آنان را در نااميد‌ترين حالاتشان مي‌بينم که ندا را مي‌شنوند؛ ندايي که از دور، مانند شنيده شدن از نزديک، شنيده مي‌شود. آن، رحمتي براي مؤمنان و عذابي بر کافران است (شيخ صدوق، 1380: ج2، ص59).

3. اتمام حجتي همگاني

نداي آسماني، همگاني است و هر کس با زبان خود اين ندا را مي‌شنود (نعماني، همان: ص262). ديگر جايي براي عذر و بهانه باقي نمي‌ماند که اگر واقعاً مي‌دانستيم او حجت خداوند است، از او پيروي مي‌کرديم. در روايتي از امام جعفر صادق عليه السلام چنين نقل شده است: «به اسم و کنيه و نسب حضرت، ندا داده مي‌شود. اين مطلب، دهان به دهان بين اهل حق و باطل و موافقان و مخالفان مي‌چرخد، تا حجت را بر آنان در شناختن او تمام کند» (مجلسي، 1404: ج53، ص3).

ج. نشانه‌هاي حتمي و بدا

با توجه به حتمي بودن نداي آسماني که با واژه‌هاي گوناگون در احاديث اهل‌بيت عليه السلام (طوسي، 1425: ص435؛ نعماني، همان: ص261) بيان شده است، آيا احتمال عدم وقوع نداي آسماني هست؟ به عبارت ديگر آيا مي‌شود در نشانه‌هاي حتمي بدا حاصل شود؟ داوود بن قاسم جعفري مي‌گويد: «نزد ابو‌جعفر عليه السلام )امام نهم( بوديم که از سفياني و حتمي بودن امر او سخن ميان آمد. از امام پرسيدم: «آيا در امر محتوم، بدا حاصل مي‌شود؟» فرمود: «بلي». به آن حضرت گفتم: «مي‌ترسم در امر قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز بدا حاصل شود؟» فرمود: «آمدن قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف از وعده‌هاي الهي است وخداوند، خلف وعده نمي‌کند» (نعماني، همان: ص314).

اين حديث، بدا را در امور حتمي جايز مي‌شمارد. بنا بر اين روايت، احتمال دارد نداي آسماني واقع نشود. نشانه حتمي، به علامتي گويند که آمدنش بر امر ديگري متوقف نباشد و صد در صد واقع شود؛ به همين دليل مي‌بينيم علامه مجلسي در توجيه روايت بالا مي‌گويد: «احتمال دارد مراد از واقع شدن بدا در امور محتوم، بدا در خصوصيات آن‌ها باشد، نه در اصل وجودشان؛ مانند خروج سفياني قبل از نابودي بني عباس و مانند آن» (مجلسي، همان: ج52، ص251). توجيه علامه مجلسي نمي‌تواند مناسب باشد؛ زيرا خلاف ظاهر روايت است؛ ولي مي‌توان گفت:

اولاً: روايت از جهت سند، به دليل مجهول بودن «محمد بن احمد بن عبدالله خالنجي» ضعيف به شمار مي‌آيد.

ثانياً: بر فرض اعتبار سند، با احاديث ديگر که امور حتمي را تغيير ناپذير معرفي مي‌کنند، منافات دارد (نعماني، همان: ص312؛ شيخ طوسي، همان: ص449).

ثالثاً: صاحب مكيال المكارم مي‌نويسد:

غرض و منظور از قرار دادن نشانه‌ها آن است که مردم به وسيله آن‌ها امام غايب خود را بشناسند و از کسي که به دروغ ادعاي امامت کند، پيروي ننمايند؛ پس هر گاه تمام نشانه‌ها تغيير کند و هيچ يک از آن‌ها براي مردم آشکار نشود، نقض غرض لازم مي‌آيد و اين، بر خداوند محال است (موسوي اصفهاني، 1381: ج1، ص512).

رابعاً: مي‌توان از روايات، سه مطلب استفاده کرد:

1. اخباري که اگر شرايط حاصل شود و مانعي نباشد، حادث مي‌شوند.

2. اخباري که همة شرايطشان حاصل است و مانعي براي تحقق ندارند، مگر اراده و خواست الهي.

3. اخباري که همة شرايطشان آماده است و مانعي ندارند و خداوند در تحقق آن‌ها دخالت نمي‌کند؛ زيرا با وجود قدرت بر اين کار، با صفات ربوبي او نمي‌سازد؛ مانند ستم که خداوند قادر بر آن است؛ ولي از باري تعالي محال است «و لا يظلم ربک احداً»؛ چون با عدل الهي منافات دارد. همچنين است وعده الهي که خداوند خلف وعده نمي‌کند: >ان الله لا يخلف الميعاد< (آل عمران، 9).

امور حتمي، از نوع دوم است؛ يعني شرايطشان حاصل و مانعي براي تحققشان وجود ندارد؛ ولي اراده و خواست الهي در تحقق آن‌ها دخيل است (ر.ك: عاملي، 1412: ص60). پروردگار متعال به سبب اثرهاي مطلوب نشانه‌هاي حتمي و اثرهاي نامطلوب رخ ندادن آن‌ها از تحققشان جلوگيري نمي‌کند. در نداي آسماني، آنچه حتمي مطرح شده است، اصل ندا است؛ ولي خصوصيات آن، حتمي نيست؛ مثال، زمان ندا مي‌تواند ماه رمضان نباشد و هر زمان مي‌توان منتظر نداي آسماني و ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بود. «توقعوا الفرج صباحا و مساءاً» (شيخ طوسي، همان: ص457).

د. نداي آسماني در قرآن کريم

آياتي از قرآن کريم به وسيله احاديثي از پيشوايان معصوم عليه السلام بر نداي آسماني، تفسير يا تطبيق شده‌اند (نعماني، همان: ص267 و 269؛ قمي، 1404: ج2، ص326؛ حسيني، 1409: ج2، ص732). رواياتي، مراد از «آيه» چهارم سوره شعراء را صيحه يا نداي آسماني دانسته‌اند (قمي، همان: ص118؛ كليني، همان: ج8، ص258؛ نعماني، همان: ص267).

آيه چنين است: >ان نشأ ننزل عليهم من السماء آية فظلّت أعناقهم لها خاضعين<؛ اگر بخواهيم از آسمان بر آنان آيه‌اي )= معجزه اي( نازل مي‌کنيم، تا گردن‌هايشان برابر آن فروتن شود.

جايگاه آيه در بحث مهدويت

ميان احاديثي که مراد از «آيه» را نداي آسماني مي‌دانند، پنج روايت با سند صحيح وجود دارد. عبدالله بن سنان مي‌گويد: نزد امام جعفر صادق عليه السلام بودم. شنيدم مردي از همدان به حضرت مي‌گويد: «آنان )= عامه( ما را مسخره مي‌کنند و به ما مي‌گويند: شما گمان مي‌کنيد منادي از آسمان به اسم صاحب اين امر ندا مي‌دهد؟!». عبدالله بن سنان مي‌گويد: امام در حالي که تکيه داده بود، ناراحت شد و صاف نشست. سپس فرمود:

از من روايت نکنيد و از پدرم نقل کنيد و اين مطلب براي شما اشکالي ندارد. شهادت مي‌دهم من از پدرم شنيدم که مي‌فرمود: «به خدا قسم اين مطلب در کتاب خداوند عز و جل روشن است. وقتي مي‌آورد «ان نشأ…» پس در آن وقت کسي در زمين نمي‌ماند، مگر اين‌که گردنش مقابل آن، خاضع شده و فرو مي‌افتد» (نعماني، همان: ص267).

ديدگاه مفسران

تفسير آيه با آنچه در اين روايات مطرح شده است، مناسبت ندارد؛ به همين دليل مفسران به دنبال پاسخ اين اشکال بر آمده اند:

علامه طباطبايي دربارة اين احاديث مي‌گويد:

در تفسير قمي، ذيل آيه «إن نشأ ننزل…» مي‌گويد: پدرم از ابن ابي عمير از امام جعفر صادق عليه السلام روايت کرد که فرمود:

گردن‌هايشان ـ بني اميه ـ با صيحه آسماني به نام صاحب الامر عجل الله تعالي فرجه الشريف، نرم و خاضع مي‌شود. مي‌گويم: اين معنا را کليني در روضه کافي و صدوق در کمال الدين و مفيد در ارشاد و شيخ در الغيبه روايت كرده‌اند و ظاهر اين روايات، همه از باب جري و تطبيق است نه از باب تفسير؛ چون سياق آيه با تفسير بودن آن نمي‌سازد (طباطبايي، 1417: ج15، ص254).

اين حديث در تفسير قمي از ابن ابي عمير از هشام از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است (قمي، همان: ج2، ص118).

در تفسير نمونه آمده است:

روشن است که منظور از اين روايات، بيان مصداقي از مفهوم وسيع آيه است که سرانجام به هنگام ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف رهبر حکومت جهاني، تمام حکومت‌هاي ظلم و جور که خط بني اميه را ادامه مي‌دهند، به حکم اجبار در برابر قدرت مهدي و حمايت‌هاي الهي او، سر تسليم فرود مي‌آورند (مكارم شيرازي، 1374: ج15، ص188).

نتيجه

چنان‌كه گذشت اهل تفسير «نداي آسماني» را از باب جري و تطبيق و بيان مصداقي از مفهوم وسيع آيه دانسته‌اند؛ يعني مفهوم آيه چنين است: خداوند هر وقت بخواهد، معجزه‌اي از آسمان مي‌فرستد، تا گردن‌ها برابر آن فرو افتد و تسليم امر خداوند شوند و يکي از مصداق‌هاي آن، مي‌تواند هنگام ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، نداي آسماني به نام آن حضرت باشد.

سؤال: آيا خداوند کسي را از روي اجبار به پذيرش ايمان دعوت مي‌کند؟ در پاسخ به اين پرسش، شيخ طوسي در ذيل آيه مي‌گويد:

«ايمان اجباري، مقصود از تکليف را نقض مي‌کند؛ زيرا خداي تعالي اگر اين کار را بکند، ديگر مستحق ثواب و مدح نخواهند بود» (طوسي، بي‌تا: ج8، ص5) پس ايشان اين کار را از خداوند نفي مي‌کند.

در پاسخ به اين پرسش مي‌توانيم بگوييم: وقتي به آيات قرآن مي‌نگريم، دربارة بني اسرائيل چنين مي‌خوانيم: «وقتي کوه )طور( را بر سر آنان بر افراشتيم، گويي سايباني بود و گمان بردند که بر آنان فرو خواهد افتاد )و گفتيم:( آنچه به شما داده‌‌ايم، با قوت بگيريد و آنچه در آن هست، به خاطر بسپاريد، تا تقوا پيشه کنيد» (اعراف، 171).

بنا بر مفاد اين آيه، خداوند، بني اسرائيل را مجبور به ايمان و پذيرش دستورهاي تورات مي‌کند، هنگامي كه آنان به سبب سختي شريعت، از پذيرفتن آن سرباز مي‌زدند. شيخ طوسي ذيل اين آيه مي‌گويد:

دليل قرار گرفتن کوه بر آنان اين بود که حضرت موسي عليه السلام وقتي تورات را بر ايشان آورد و از احکام و حدود آن آگاه شدند و سختي عبادت و پذيرش آن را فهميدند، از پذيرفتن آن امتناع ورزيده و گفتند: اين کار بر ما سخت و سنگين است. پس خداوند، کوه را مانند سايباني بر روي آنان افراشت و حضرت موسي عليه السلام به آنان فهماند که اگر تورات را نپذيريد و به دستورهاي مطرح شده در آن عمل نکنيد، کوه بر شما فرود مي‌آيد؛ به همين دليل آنان تورات را پذيرفتند و خداوند فرود آمدن کوه را از آنان باز داشت (طوسي، همان: ج5، ص25).

مي‌بينيم شيخ طوسي ايمان اجباري درباره بني اسرائيل را مطرح مي‌كند و هيچ اعتراضي به بي ارزش بودن آن نمي‌كند يا توجيهي براي آن نمي‌آورد. در تفسير نمونه اين سؤال مطرح شده است که آيا ايمان آوردن در اين حال (کوه طور بالاي سر) جنبه اجباري ندارد؟ و پاسخ مي‌دهد « شک نيست که در آن حال، يک نوع اضطرار بر آنان حکومت مي‌کرده؛ ولي مسلما بعد از بر طرف شدن خطر، راه را با اختيار خود مي‌توانستند انتخاب کنند» (مكارم شيرازي، همان: ج6، ص238).

اين مطلب، دربارة نداي آسماني نيز صادق است؛ يعني گر چه ندا باعث کرنش ابتدايي همگان مي‌شود، ولي پس از مدتي، هر کس راه خود را انتخاب مي‌کند و اين مطلب در روايات اهل‌بيت عليه السلام پس از شنيدن نداي ابليس، مطرح شده است (نعماني، همان: ص267).

بحث اصلي در اين نوشتار، بيان ويژگي‌ها و پيامدهاي نداي آسماني و وظيفه مخاطبان در مقابل آن است که در چند محور بيان مي‌شود.

محور اول. ويژگي‌هاي نداي آسماني

الف. ندا دهنده

احاديثي ندا دهنده را جبرئيل امين عليه السلام معرفي مي‌کنند (نعماني، همان: ص262؛ طوسي، 1425: ص454؛ صدوق، 1380: ج2، ص558؛ حسيني، همان: ص708؛ بحراني، بي‌تا: ص238). اين مطلب با عبارت‌هاي « هي جبرئيل»، «هو صوت جبرئيل» «ينادي به جبرئيل» و… آمده است. اين روايات، از نظر سند ضعيف هستند؛ ولي به دليل تظافر آن‌ها و نداشتن مخالف، مي‌توان پذيرفت که نداي آسماني توسط جبرئيل امين عليه السلام اعلان مي‌شود.

ب. مکان نداي آسماني

بيشتر احاديث، به آسماني بودن ندا با عبارت‌هاي مختلف اشاره دارند. در يک روايت، عبارت متفاوتي آمده است: «لايخرج القائم حتي ينادي باسمه من جوف السماء» (نعماني، همان: ص301). در اين حديث که از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است، کلمه«جوف» به آسمان اضافه شده است که اشاره دارد كه مكان ندا، وسط آسمان است.

ج. زمان نداي آسماني

يکي از مباحث مهم و قابل طرح دربارة نداي آسماني، زمان آن است. اين مطلب از چند حيث قابل بررسي است:

يكم. زمان مطرح شده در احاديث براي ندا

زمان آن در احاديثي، ماه مبارک رمضان معرفي شده است. اين احاديث با عبارت‌هاي «صيحة في شهر رمضان»، «يکون الصوت في شهر رمضان»، «شهرالله تعالي و فيه ينادي باسم صاحبکم و اسم ابيه » و… آمده است (نعماني، همان: ص262و 266؛ صدوق، همان: ج1، ص597؛ طوسي، همان: ص452و…). ميان اين روايت‌ها، شش حديث، زمان ندا را شب بيست و سوم معرفي مي‌کنند و از ميان آن‌ها، سه حديث، بر شب جمعه بودن نداي آسماني دلالت دارد.

نکته‌اي که قابل بررسي است، شب يا روز بودن زمان ندا است؛ زيرا کنار رواياتي که زمان ندا را ماه رمضان و در شب معرفي مي‌کرد، رواياتي زمان ندا را اول روز معرفي مي‌کنند. اين احاديث با عبارت‌هاي «ينادي مناد من السماء في اول النهار» و… بر اين مطلب دلالت دارد (كليني، 1405: ج8، ص177؛ صدوق، همان: ج2، ص558؛ طوسي، همان: ص435؛ مفيد، 1413: ج2، ص371).

براي جمع اين دو دسته از احاديث، فرض هايي قابل طرح است:

فرض اول. شب بيست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر است. در روايتي از امام جعفر صادق عليه السلام آمده است: «شب قدر در هر سال واقع مي‌شود و روز آن مانند شب آن است» (طوسي، 1365: ج4، ص331). بنابر اين روز بيست و سوم، جزئي از شب آن حساب شده است و از اول شب بيست و سوم تا غروب روز بيست و سوم، شب قدر به حساب مي‌آيد. در اين صورت، نداي آسماني اول روز بيست و سوم واقع مي‌شود که قسمتي از شب قدر است.

فرض دوم. مراد از شب در «ليلة ثلاث و عشرين» و «ليلة جمعة» هنگام طلوع فجر باشد؛ زيرا هنگام طلوع فجر، قدر مشترک ميان شب و روز به حساب مي‌آيد. در فضيلت نماز صبح، هنگام طلوع فجر چندين روايت نقل شده است و دليل اين فضيلت را حضور ملائکه شب و ملائکه روز مطرح مي‌کنند (كليني، همان: ج3، ص282؛ صدوق، 1413: ج1، ص211).

بنابر اين اگر نداي آسماني، هنگام طلوع فجر اعلان شود، هم اطلاق «شب بيست و سوم» بر آن صحيح است و هم اطلاق« روز»؛ به ويژه اين‌که، احاديث دلالت کننده بر واقع شدن نداي آسماني در روز، همگي قيد «اول النهار» را دارند و اول روز، هنگام طلوع فجراست.

فرض سوم. اختلاف زمان نداي آسماني، به حساب مکان‌ها است؛ يعني به دليل اختلاف افقها. البته نداي آسماني يکي است و يک‌بار اعلان مي‌شود؛ ولي يک جا، اول شب بيست و سوم است و يک جا، آخر شب و جاي ديگر، اول روز بيست و سوم؛ لذا اختلاف مطرح شده در احاديث، به اين دليل است.

فرض چهارم. تکرار نداي آسماني است؛ يعني نداي آسماني اول، شب بيست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفي نام و نسب حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌پردازد و نداي آسماني دوم، اول روز است؛ يعني اول روز بيست و سوم، نداي دوم به حقانيت علي عليه السلام و پيروانش اعلان مي‌شود. گويا با اعلان نداي اول، بسياري از مردم جهان باز حضرت را نمي‌شناسند؛ ولي با نداي دوم و با توجه به شناختي که از شيعيان دارند، مي‌فهمند که مراد از نداي اول، همان امام دوازدهم شيعيان، حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است که مي‌آيد.

فرض پنجم. تکرار نداي آسماني است؛ يعني نداي آسماني اول، شب بيست و سوم ماه مبارک رمضان به معرفي نام و نسب حضرت مي‌پردازد و نداي دوم، اول روز است؛ اما روز آن مشخص نيست. احتمال دارد روز قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در دهم محرم، از کنار کعبه باشد که رواياتي بر اين مطلب دلالت مي‌کنند (نعماني، همان: ص262؛ صدوق، 1380: ج2، ص603؛ حر عاملي، بي‌تا: ج3، ص570). شواهدي که بر تکرار نداي آسماني دلالت مي‌کنند، چنينند:

1. محتواي نداي آسماني شب بيست و سوم با محتواي نداي اول روز فرق دارد. در اولي محتوا، معرفي نام و نسب حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است و در دومي محتوا، بر حق بودن علي عليه السلام و شيعيان ايشان يا رستگاري آنان است.

2. احاديثي كه بر تکرار نداي آسماني دلالت مي‌کنند.در اين باره دو حديث را مي‌آوريم:

روايت اول. جابر بن يزيد جعفي از امام محمد باقر عليه السلام نداي جبرئيل امين را سه بار در طول روز مطرح مي‌کند و محتواي ندا را معرفي حضرت مهدي به نام و نسب مي‌داند. البته اين حديث ازجهت سند، ضعيف است و به صورت مرسل در کتب متأخر ذکر شده است (حسيني، همان: ج2، ص732؛ بحراني، بي‌تا: ص238) و از حيث دلالت نيز با مدعاي ما سازش ندارد؛ زيرا تکرار ندا را سه بار مي‌داند و آن هم در روز و با يک محتوا.

روايت دوم. حديث معتبري است که زراره بن اعين از امام جعفر صادق عليه السلام نقل مي‌کند. در اين روايت، زراره مي‌گويد:

شنيدم امام جعفر صادق عليه السلام فرمود:

منادي از آسمان ندا مي‌دهد: «به درستي که فلاني، همان امير است» و منادي ندا مي‌دهد: «همانا علي و شيعه او همان رستگاران هستند». گفتم: «)با وجود اين معجزات( پس چه کسي با حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف نبرد مي‌کند؟» فرمود: «شيطان ندا مي‌دهد: همانا فلاني و شيعه او، همان رستگارانند… (نعماني، همان: ص272؛ مجلسي، همان: ج52، ص294).

در اين حديث، به زمان نداي آسماني اشاره نشده است؛ ولي تکرار ندا را ثابت مي‌کند و در مقابل دو نداي آسماني، يک نداي شيطاني مطرح مي‌شود. اين حديث، با روايات معرفي ندا در شب بيست و سوم و نداي آسماني در اول روز سازگار است؛ زيرا نداي آسماني در شب بيست و سوم، معرفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به نام و نسب است و نداي اول در اين روايت نيز معرفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است و نداي اول در روز، بيان حقانيت امير مؤمنان عليه السلام و شيعيانش يا رستگاري آنان بود و محتواي نداي دوم در اين حديث، حقانيت و رستگاري آنان است.

نظر انديشوران

يكي از پژوهشگران، قائل به يک نداي آسماني است و وجود دو ندا را نمي‌پذيرد. حتي فرق در محتواي ندا را توجيه مي‌کند و قائل به جمع يا کنار گذاشتن يکي از دو محتوا مي‌شود. به هر صورت وي قائل به يک نداي آسماني و آن هم در بيست و سوم ماه مبارک رمضان است. او مي‌نويسد:

بعد از حمل مطلق بر مقيد و مجمل بر مبين، مطالب ذيل به دست مي‌آيد:

1. مراد از ندايي که از امور محتوم است، همان نداي جبرئيل عليه السلام به نام قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف است. 2. مراد از نداي بر حق، جز اين نيست. 3. صيحه جبرئيل عليه السلام نيز همين ندا است (صدر، 1412: ص130).

نويسنده ديگري قائل به چندين ندا شده است كه عبارتند از: سه نداي آسماني در ماه رجب، دو نداي آسماني در ماه مبارک رمضان و دو نداي ديگر در ماه رمضان، و نداي حضرت صاحب الامر عليه السلام در ماه ذيحجه که همگان مي‌شنوند ونداي جبرئيل عليه السلام در ذيحجه بعد از بيعت و نداي ديگري در روز عاشورا به امارت حضرت و چند نداي ديگر؛ ولي او ندايي را که داراي اهميت و کثرت اخبار و حتمي بودن مي‌داند، دو نداي آسماني در ماه مبارک رمضان است. او مي‌نويسد:

اما نداي اول، ندايي است که در شب خواهد بود، در شب بيست و سوم. جبرئيل چنان صيحه‌اي زند که همه عالم بشنوند و خوابيده‌ها بيدار شوند و همه به فزع در آيند ؛ به اين جهت اين ندا را «صيحه و فزعه» نيز ناميده‌اند… اما نداي دوم، حتمي است. اگر چه اخباري که در خصوص اين ندا است، تصريح ندارد که ندا کننده جبرئيل است؛ بلکه )به( همين اندازه که منادي از آسمان ندا خواهد کرد )‌اكتفا شده است(؛ اما در اخبار مطلقه که در اصل ندا است، تصريح دارد به اين‌که ندا کننده جبرئيل است… اين نداي دوم، در اول روز است؛ در همان روز بيست و سوم، اما به نام امير المؤمنين عليه السلام (خراساني، 1384: ص281).

در نوشتار ديگري، تعدد نداهاي آسماني مطرح شده است و آن‌ها از جهت زمان و محتوا، متفاوت معرفي مي‌شود. اما نداي آسماني در ماه مبارک رمضان را از علايم حتمي مي‌داند. وي مي‌گويد: «از احاديث به دست مي‌آيد صيحه‌اي که بيشترين اهميت را دارد و از علايم حتمي محسوب مي‌شود، آن است که در ماه مبارک رمضان رخ مي‌دهد» (قزويني، 1380: ص409).

با توجه به قرائني که بيان شد، به نظر مي‌رسد اگر تکرار نداي آسماني را بپذيريم، بايد به توالي و پشت سر هم بودن دو ندا قائل باشيم؛ به صورتي که يکي به حساب آيند؛ زيرا وقتي نداي ابليس برابر نداي آسماني مطرح مي‌شود، در روايات از مخاطبان خواسته شده است که از صداي نخست پيروي کنيد و نيامده است که از صداي اول و دوم پيروي کنيد. سه حديث که يکي از آن‌ها از حيث سند معتبر است، با عبارت‌هاي «الصوت الاول» (نعماني، همان: ص262 و 269)، «النداء الاول» و « المنادي الاول» (همان، ص267؛ بحراني، همان: ص157) اين مطلب را بيان مي‌کنند.

دوم. حوادث قبل از نداي آسماني

1. اختلاف بني عباس

دربارة اين نشانه که از حيث سند، معتبر است و از امام محمد باقر عليه السلام نقل شده است، اين گونه آمده: «اي جابر! ملازم زمين باش و دست و پايي حرکت نده )کنايه از حرکت نکردن براي ياري حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف‌( تا علامت هايي که برايت مي‌شمارم، ببيني. اولين آن‌ها، اختلاف بني عباس است و نمي‌بينم آن را درک کني؛ ولي براي بعد از من، از طرف من آن را ذکر کن و منادي از آسمان ندا مي‌دهد و…» (نعماني، همان: ص288).

از اختلاف بني‌عباس و انقراض آن‌ها، سال‌ها مي‌گذرد؛ اما در آن زمان و در ابتداي به قدرت رسيدن آنان، اهل‌بيت عليه السلام با اين پيشگويي، شيعيان را از دل بستن به حکومت آنان بر حذر مي‌داشتند و آنان را به آينده، اميدوار نگاه مي‌داشتند. پس فاصله ميان اختلاف بني عباس و نداي آسماني، زياد است؛ ولي آن زمان، اين مطلب علامت ظهور بوده است، مگر اين‌که بگوييم دولت بني عباس دوباره تشکيل مي‌شود.

2. نشانه‌اي در ماه رجب

در حديثي از داوود بن سرحان از امام جعفر صادق عليه السلام به اين نشانه اشاره شده است. در اين روايت آمده است: «سالي که در آن صيحه واقع مي‌شود، قبل از آن در رجب نشانه‌اي رخ مي‌دهد». گفتم: «آن چيست؟» فرمود: «صورتي در ماه نمايان مي‌شود و دست آشکاري» (نعماني، همان: ص261).

البته اين حديث از حيث سند، به دليل توثيق نشدن «عباس بن عبدالله» ضعيف است و از حيث دلالت، منفرد است و نمي‌توان به آن اعتماد کرد؛ اما در روايات ندا، دو حديث نداي آسماني را در ماه رجب مطرح مي‌کنند که يکي از آن‌ها، راويانش از عامه مي‌باشند و از رسول گرامي اسلام صلي الله عليه و آله نقل شده است (خزاز قمي، 1401: ص156) و ديگري روايت حسن بن محبوب از امام رضا عليه السلام است. اين روايت، گر چه از حيث سند معتبر است؛ اما نقل‌هاي متفاوتي از آن به دست ما رسيده است و همين امر، باعث سلب اعتماد دربارة وقوع ندا در ماه رجب مي‌شود. ترجمه يکي از متن‌ها از اين قرار است:

گويي مي‌بينم از وضعشان نااميد شده‌اند که ندايي داده مي‌شود و کسي که دور است، مانند کسي که نزديک است، آن را مي‌شنود. آن، رحمتي براي مؤمنان و عذابي براي کافران است. پرسيدم: «پدر و مادرم فداي شما! آن نداء چيست؟» فرمود: «سه صوت در ماه رجب است؛ اولين آن‌ها «الا لعنة الله علي الظالمين» و دومي: «أزفت الآزفه يا معشر المؤمنين» و سومي، دست آشکاري همراه خورشيد مي‌بينند که ندا مي‌دهد: «آگاه باشيد! همانا خداوند فلاني را براي نابودي ستمگران فرستاد و در آن وقت گشايش مؤمنان مي‌آيد (نعماني، همان: ص286؛ صدوق، همان، ج2، ص59؛ طوسي، همان: ص439؛ مسعودي، 1409: ص281؛ صدوق، 1378: ج2، ص6).

مهم‌ترين تفاوت در نقل‌ها با توجه به يکي بودن راوي از امام، تفاوتي است که نقل شيخ صدوق با نقل شيخ طوسي و نعماني دارد و آن عدم ذکر محتواي سه ندا و نيز سه ندا بودن و اين كه ندا در ماه رجب است؛ در حالي که هر سه، از عبدالله بن جعفر حميري از احمد بن هلال از حسن بن محبوب از امام رضا عليه السلام روايت را نقل مي‌کنند. با توجه به اين‌که مسعودي نيز بودن نداهاي سه گانه را در ماه رجب نياورده است و تنها محتواي نداها را مي‌آورد، نمي‌توان به اين حديث اعتماد کرد و با اين حديث، بودن ندا در ماه رجب ثابت نمي‌شود.[1]

3. سختي، ترس، مرگ

يکي از نشانه‌هاي عمومي قبل از نداي آسماني، مرگ و ميرها به دليل بيماري و کشتار ميان مردم است که اين امر، باعث ترس همگاني و سلب آسايش و سختي براي همگان مي‌شود. رواياتي، اين مطلب را بيان مي‌کنند (نعماني، همان: 470 و 275 و288). اينك ترجمه يکي از اين احاديث را بيان مي‌كنيم: «مردم از آنچه بر سرشان مي‌آيد و نيز از ترس، دچار سختي شديدي مي‌شوند و آن حال پايان نمي‌يابد، تا اين‌که منادي از آسمان ندا مي‌دهد». اين حديث از ابوبصير از امام محمد باقر عليه السلام نقل شده است.

4. يأس و نااميدي

از اموري که پيش از قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و نداي آسماني رخ مي‌دهد، يأس و نااميدي است که بر جهانيان سايه مي‌اندازد و آنان اميد خود را از آمدن منجي از دست مي‌دهند. در احاديث مربوط به نشانه‌هاي قيام، اين مطلب به وضوح مشاهده مي‌شود و عباراتي چون «فخروجه إذا خرج عند اليأس و القنوط من أن يروا فرجاً» (نعماني، همان: ص262) و «إنما يجئ الفرج علي اليأس» (حميري، بي‌تا: ص168) بر اين مطلب دلالت مي‌کنند.

در برخي روايات، اين مطلب يکي از نشانه‌هاي قبل از نداي آسماني معرفي شده است (صدوق، همان: ج2، ص59؛ همو، 1378: ج2، ص6). امام جعفر صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «همانا براي محقق شدن اين امر، مأيوس‌تر و غمناک‌تر مي‌شويد، تا اين‌که منادي از آسمان به اسم قائم عليه السلام و نام پدرش ندا مي‌دهد» (نعماني، همان: ص186).

د. محتواي نداي آسماني

مضمون نداي آسماني را مي‌توان به دو قسمت اخباري و انشايي تقسيم کرد. مراد از محتواي اخباري، مطالبي است که قالب دستوري ندارد و براي آگاهي مخاطبان است و محتواي انشايي آن است که قالب دستوري دارد و شنونده را به انجام اموري فرا مي‌خواند. اينك به توضيح اين دو قسم مي‌پردازيم:

محتواي اخباري

معرفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به نام و نسب که ده‌ها حديث به آن اشاره دارند (نعماني، همان: ص168و 262 و…؛ صدوق، 1380: ج1، ص597؛ كليني، همان: ج8، ص178؛ طوسي، همان: ص452) و بيان امارت و حکومت براي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف که چندين روايت (نعماني، همان: ص266؛ صدوق، همان: 2ج، ص555؛ خزاز قمي، همان: ص147) با عبارت‌هايي چون «ان وليکم فلان بن فلان القائم بالحق»؛ «هذا المهدي خليفة الله»؛ «فلان بن فلان هو الامام» بر اين مطلب دلالت مي‌کنند. معرفي اهل حق و رهبر آنان به جهانيان که چندين روايت (صدوق، همان: ج1، ص603 و2، 60و 558؛ طوسي، همان: ص435 و454؛ كليني، همان: ج8، ص258؛ نعماني، همان: ص267 و272) با عبارت‌هاي «الا ان الحق مع علي و شيعته»؛ «ان علياً و شيعته هم الفائزون»؛ «الا ان حجة الله نقد ظهر… فان الحق معه و فيه» اين مطلب را بيان مي‌کنند. معرفي توصيفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در چندين روايت (صدوق، همان: ج2، ص60؛ نعماني، همان: ص301؛ حسيني، همان: ج2، ص732؛ مفيد، 1413: ص208) با عبارت‌هاي «خيرامة محمد»؛ «القائم بالحق» و…. و خبردادن از ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف با عبارت‌هاي «الا ان حجة الله قد ظهر عند بيت الله» (صدوق، همان: ج2، ص60) و خبر دادن از پايان حکومت جباران، با عبارت «ايها الناس قطع عنکم مدة الجبارين» (مفيد، همان: ص208) دلالت بر محتواي اخباري نداي آسمان مي‌کنند.

محتواي انشايي

مطالب دستوري نداي آسماني که توسط جبرئيل عليه السلام اعلان مي‌شود، چيست؟ اينك به بيان آنچه از روايات نداي آسماني در اين باره استفاده مي‌شود، مي‌پردازيم.

1. دستور حركت به سوي مکه

حديثي که از حذيفه از رسول خدا صلي الله عليه و آله نقل شده است، اين مطلب در محتواي ندا با عبارت «فالحقوا بمکة؛ به مكه ملحق شويد» (مفيد، همان: ص208؛ اموي داني، بي‌تا، ص61) بيان شده است؛ ولي حديث از حيث سند، ضعيف است؛ زيرا از منابع عامه نقل شده است. در روايت ديگري نيز اين مطلب آمده است؛ ولي به عنوان محتواي ندا مطرح نشده است. طبق اين روايت كه از امام باقر عليه السلام نقل شده است، دستور به رفتن مي‌دهد. در اين حديث آمده است: «وقتي ندا داده شد: کوچ کنيد، کوچ کنيد. به خدا قسم! گويي او را ميان رکن و مقام مي‌نگرم» (نعماني، همان: ص270).

2. دستور به پيروي از حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف

احاديثي با عبارت‌هاي «فاتبعوه» (صدوق، همان: 2، 60؛ خزاز قمي، همان: ص147) و «فاسمعوا له و أطيعوه» (نعماني، همان: ص301) به بيان اين مطلب در محتواي نداي آسماني مي‌پردازند که وظيفه مخاطبان را گوش دادن به سخنان ايشان و فرمانبري معرفي مي‌کنند.

3. دستور قيام به حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف

در روايتي که از ابوبصير از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است، محتواي ندا را متوجه حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌داند، نه مردم. در اين روايت، چنين آمده است: «ينادي باسم القائم يا فلان بن فلان قم؛ به اسم قائم عليه السلام ندا داده مي‌شود که يا فلان بن فلان! قيام کن» (نعماني، همان: ص287). اين ندا بايد اشاره به دستور خداوند به حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف براي قيام داشته باشد و با نداي آسماني که مخاطب آن مردم هستند، فرق دارد؛ همان‌طور که در احاديثي نداي شمشير و پرچم حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف به ايشان براي قيام مطرح شده است (صدوق، همان: ج1، ص498؛ خزاز قمي، همان: ص266).

4. باز داشتن از قتل و خونريزي

رواياتي با مضمون مشابه که از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده و در کتاب نعماني پشت سر هم آمده‌اند، بازداشتن از قتل و خونريزي را به عنوان محتواي ندا آورده‌اند. يکي از اين روايات چنين است: «همانا منادي به اسم صاحب‌الامر، از آسمان ندا مي‌دهد که: آگاه باشيد امر براي فلان بن فلان است؛ پس براي چه مي‌جنگيد؟ » (نعماني، همان: ص275). اين احاديث علاوه بر اين، نشانگر قتل و خونريزي هنگام وقوع ندا مي‌باشند.

ه‍. مخاطبان نداي آسماني

تمام اهل زمين، نداي آسماني را مي‌شنوند. اين مطلب در احاديث اهل‌بيت عليه السلام باتعبير‌هاي شنيدن اهل مشرق و مغرب (طوسي، همان: ص177 و 454؛ نعماني، همان: ص262). شنيدن تمام اهل زمين (صدوق، همان: ج2، ص60؛ نعماني، همان: ص267؛ خصيبي، همان: ص364)، شنيدن تمامي جانداران (نعماني، همان: ص301)، عام بودن نداي آسماني (صدوق، همان: ج2، ص556) مطرح شده است.

ويژگي ديگر ندا براي مخاطبان، شنيدن هر قوم و گروه به زبان خودشان است؛ يعني اگر کسي زبان مادري او عربي است يا فارسي يا هر زبان ديگر، ندا را به همان زبان مي‌شنود. سه حديث که از جهت سند، معتبر هستند با عبارت‌هاي: «يسمعه کل قوم بألسنتهم»؛ «حتي يسمعه کل قوم بلسانهم»؛ «عام يسمع کل قوم بلسانهم» به بيان اين مطلب مي‌پردازند (طوسي، همان: ص435؛ صدوق، همان: ج2، ص556؛ نعماني، همان: ص282).

ويژگي سوم ندا يکنواختي آن براي شنوندگان است و دوري يا نزديکي، معنا ندارد. روايت معتبري از امام علي بن موسي الرضا عليه السلام به اين مطلب اشاره دارد: «قد نودوا نداء يسمع من بُعد کما يسمع من قرب؛ به تحقيق ندايي داده مي‌شوند که از دور شنيده مي‌شود؛ همان‌طور که از نزديک شنيده مي‌شود (صدوق، همان: ص556).

و. غير منتظره بودن نداي آسماني

حالاتي که مخاطبان نداي آسماني، هنگام شنيدن آن از خود بروز مي‌دهند، نشانگر غير منتظره بودن آن براي آنان است. اين حالت‌ها، نوعي ترس همراه حيرت و تعجب را نشان مي‌دهند. امام جعفر صادق عليه السلام مي‌فرمايد: «اذا سمعوا الصوت اصبحوا و کأنما علي رؤوسهم الطير؛ وقتي صدا را مي‌شنوند، مانند کساني خواهند بود که پرنده‌اي بر سرشان نشسته است» (نعماني، همان: ص270). اين روايت، شدت حيرت و ترس مخاطبان را نشان مي‌دهد و آنان را به فردي تشبيه مي‌کند که پرنده‌اي بر روي سرش نشسته و براي فرار نکردن آن پرنده، سر جايش بي‌حرکت مي‌ماند. اينك به صورت اجمالي به بيان تأثير‌هاي نداي آسماني بر روي مخاطبان مي‌پردازيم:

يکم. کرنش و ايمان ابتدايي

اولين تأثير ندا بر مخاطبان، خضوع و تسليم برابر آن است. احاديث ذيل آيه چهارم سوره شعراء به بيان آن مي‌پردازند. يکي از روايات چنين است:

«هنگام اعلان ندا، کسي روي زمين نمي‌ماند، مگر اين‌که گردنش درمقابل نداي آسماني، افتاده مي‌شود و اهل زمين، وقتي صدا را از آسمان مي‌شنوند، به آن ايمان مي‌آورند (نعماني، همان: 267؛ كليني، همان: ج8، ص258؛ قمي، همان: ج2، ص118).

دوم. بيرون آمدن دختران پرده نشين

در گذشته به صورت معمول دختران از خانه‌ها کمتر بيرون مي‌آمدند؛ ولي تأثير آن ندا به قدري است که اين دختران از خانه بير ون مي‌آيند و حالت عادي خود را کنار مي‌گذارند تا ببينند چه خبر است. اين مطلب به يکي از دو وجه قابل تفسير است:

1. در آن زمان، هنوز ـ هر چند به تعداد کم ـ دختراني هستند که به ندرت از خانه بيرون مي‌آيند و اين اطلاق بر آنان صحيح است.

2. اهل‌بيت عليه السلام براي بيان شدت تأثير ندا بر مخاطبان، اين مطلب را آورده‌اند که حتي کساني که معمولاً در خانه هستند، به واسطة نداي آسماني، از خانه بيرون مي‌آيند. احاديثي با تعابير «تخرج الفتاة من خدرها» و «تخرج العذراء من خدرها» (نعماني، همان: ص360 و261 و266) به بيان اين مطلب مي‌پردازند.

سوم. بيدار شدن خفتگان

نداي آسماني، براي همگان است و حتي افراد خواب را شامل مي‌شود. آنان از شنيدن صدا، بيدار مي‌شوند يا اين‌که صدا به قدري هولناک است که افراد خواب، آن را مي‌شنوند و وحشت زده بر مي‌خيزند. احاديثي با عبارت‌هاي: «توقظ النائم» (نعماني، همان: ص26) «لايبقي راقد الا استيقظ» (نعماني، همان: ص266) «فتوقظ النائم و يخرج الي صحن داره» (نعماني، همان: ص301) «فلا يبقي راقد الا قام» (طوسي، همان: ص454) بر بيدار شدن افراد خواب دلالت مي‌کنند.

چهارم. وحشت افراد بيدار

در رواياتي، وحشت افراد بيدار از نداي آسماني، با عبارت «تفزع اليقظان» بيان شده است (نعماني، همان: ص260 و 261 و 266).

پنجم. نشستن افراد ايستاده و ايستادن افراد نشسته

تأثير ابتدايي نداي آسماني بر افراد، به قدري است که ايستادگان مي‌نشينند و نشستگان، از وحشت بر مي‌خيزند. احاديثي بر اين مطلب دلالت مي‌کنند (طوسي، همان: ص454؛ نعماني، همان: ص262). ترجمه يکي از روايات چنين است: «ايستاده‌اي نيست، مگر اين‌که مي‌نشيند و نشسته‌اي نيست، مگر اين‌که به خاطر ترس از آن صدا مي‌ايستد».

محور دوم. پيامدهاي نداي آسماني

هنگامي كه توسط جبرئيل امين عليه السلام ندا داده مي‌شود، واكنش ابتدايي مخاطبان، خضوع و ايمان همراه تعجب توأم با ترس است که در فصل پيشين بيان شد؛ ولي بعد از ساعاتي، واكنش واقعي اهل ايمان و کفر روشن مي‌شود. همچنين بعد از اين ندا، حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف از پرده غيبت بيرون مي‌آيد. در اين فصل به بيان پيامدهاي ندا مي‌پردازيم:

الف. خروج حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف

نداي آسماني، اعلان ظهور و آمدن امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است؛ پس اولين پيامد آن، بايد ظهور حضرت باشد. در روايتي از ابوبصير از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است: «و يخرج القائم مما يسمع و هي صيحة جبرئيل عليه السلام؛ حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف وقتي ندا را مي‌شنود، ظاهر مي‌شود و آن، صداي جبرئيل امين عليه السلام است» (نعماني، همان: ص301).

احاديث ديگري نيز بر ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بعد از صيحه آسماني دلالت مي‌کنند (نعماني، همان: ص262؛ صدوق، همان: ج1، ص603؛ مفيد، همان: ص208).

ب. واكنش اهل ايمان

نداي آسماني، بشارتي براي مؤمنان است. پس از قرن‌ها انتظار، حجت خداوند و نگين آفرينش از پرده غيبت بيرون آمده و با ظهورش، جهان را نوراني خواهد کرد؛ از اين‌رو چنين روزي براي مؤمنان، روز سرور و شادي خواهد بود. در حديثي مي‌خوانيم: «الا ذلک يوم فيه سرور ولد علي و شيعته؛ آگاه باشيد، آن روز )= روز اعلان نداي آسماني( روز شادي فرزندان علي عليه السلام و شيعه او است (نعماني، همان: ص144).

ج. واكنش کافران

کافران و معاندان، وقتي مي‌شنوند به نام مبارک حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف ندا داده مي‌شود، مي‌فهمند وقت نابودي حکومت‌هاي ظالم آنان فرا رسيده است و برابر کسي هستند که قدرت آسماني با اوست و توان مقابله با او را ندارند. آنان ابتدا به ناتواني خود اقرار مي‌كنند؛ ولي ـ همچون ابليس لعين که مي‌دانست مقابل پروردگار متعال ايستادن، يعني نابودي و با اين حال به جاي توبه، گردنکشي کرد و بر انحراف خود افزود ـ بر لجاجت خود مي‌افزايند و مقابل حضرت، صف آرايي مي‌کنند و نبردهاي آن امام معصوم با چنين افرادي خواهد بود.

در احاديث اهل‌بيت عليه السلام، روز اعلان ندا، روز سختي براي کافران شمرده شده است: «عذاباً علي الکافرين» (صدوق، همان: ج2، ص59؛ اربلي، 1381: ص524؛ حسيني، همان: ص708).

د. نداي ابليس

اگر نداي آسماني، فقط توسط جبرئيل امين عليه السلام داده مي‌شد، همگان برابر آن سر تسليم فرود مي‌آوردند. در روايتي از زراره بن اعين مي‌خوانيم: به امام جعفر صادق عليه السلام عرض كردم: «تعجب مي‌کنم، خدا شما را سلامت بدارد! با وجود عجايبي چون خسف بيداء سپاه )سفياني( و ندايي که از آسمان است، چگونه باز با حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌جنگند؟» حضرت فرمود: «همانا شيطان آنان را رها نمي‌کند، تا اينکه ندا مي‌دهد، همان‌طور که بر رسول خدا صلي الله عليه و آله در روز عقبه[2] ندا داد» (نعماني، همان: ص273).

اكنون سؤال اين است كه آيا شيطان مي‌تواند معجزه‌اي بياورد و با اين عمل، به مقابله با حجت‌هاي الهي بپردازد و مردم را گمراه کند؟

يكي از انديشوران، با بيان دو مقدمه، نداي ابليس را نمي‌پذيرد.

مقدمه اول: تعداد روايات دلالت کننده بر نداي باطل، نسبت به تعداد اخبار نداي حق، بسيار کم است. مقدمه دوم: اگر ما ظهور اولي اين اخبار را بنا بر فهم تقليدي بپذيريم، صادر شدن نداي باطل، به شکل اعجازي و متافيزيکي، معجزه‌اي صادر شده از جانب باطل است.

ايشان در ادامه، معجزه از طرف باطل را به دليل فريفتن انسان‌ها و سوق دادن آنان به سوي انحراف و جهالت، بر خداوند محال مي‌شمرد و سپس مي‌گويد:

وقتي اين دو مقدمه تام است، لازم است اين اخبار را کنار بگذاريم؛ زيرا اين روايات کم هستند و دلالت بر امر محالي مي‌کنند؛ پس عمل کردن به آن‌ها محال است (صدر، 1412: ص132).

در پاسخ اين عالم مي‌توان گفت:

اولاً بيش از پانزده حديث که تعدادي از آن‌ها از حيث سند، معتبر هستند دربارة نداي ابليس آمده است (صدوق، همان: ص555 و556 و558؛ نعماني، همان: ص262 و267 و269 و272 و274؛ طوسي، همان: ص435 و461؛ كليني، همان: ج8، ص177 و258؛ مفيد، 1413، ص358).

به راحتي نمي‌توان اين روايات را کنار گذاشت. اين اخبار، در مقايسه با اخبار نداي آسماني و معرفي نام و نسب حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف کمتر است؛ ولي در صورت عدم تعارض، نمي‌توان آن‌ها را ترک کرد.

ثانياً در اخبار نداي آسماني، عبارت‌هايي دال بر همگاني بودن و شنيدن هر قومي با زبانشان وجود داشت؛ ولي در اخبار نداي ابليس، عبارتي که همگاني بودن آن را برساند، وجود ندارد، مگر اين‌که از روي تقابل با نداي آسماني، قايل به فراگير بودن آن شويم؛ از اين‌رو نداي ابليس، مانند سحر جادوگران مقابل معجزه حضرت موسي عليه السلام است؛ يعني به وضوح، حق از باطل مشخص است؛ ولي اهل باطل به دنبال بهانه‌اي هستند، تا به حق نگروند و جبهه‌اي مقابل آن تشکيل دهند. اگر نام «ابليس» در بيشتر اخبار نداي شيطاني نيامده بود، قائل به نداي شيطاني انسي مي‌شديم و آن را به وسيله ابزار ساخت بشر معرفي مي‌کرديم. همچنين در دو روايت، اين ندا به نداي ابليس در جمره عقبه بر ضد رسول خدا صلي الله عليه و آله تشبيه شده است (صدوق، همان: ج2، ص555؛ نعماني، همان: ص273).

در روايتي از امام محمد باقر عليه السلام مي‌خوانيم:

همانا امر ما روشن‌تر از اين خورشيد است. سپس فرمود: منادي از آسمان ندا مي‌دهد به نام فلان بن فلان که او امام است و ابليس ـ لعنت خدا بر او باد ـ از زمين ندا مي‌دهد، همان‌طور که شب عقبه بر ضد رسول خدا صلي الله عليه و آله ندا داد (صدوق، همان: ج2، ص555).

در اين حديث، امر اهل‌بيت عليه السلام در آخر الزمان «أبين من الشمس» معرفي شده است و اين مطلب، نشانگر شناسايي راحت نداي آسماني از نداي ابليس است. اگر کسي خود مشکل نداشته باشد، دنباله روي از نداي حق، آسان خواهد بود.

اينك به معرفي اجمالي نداي ابليس مي‌پردازيم:

نخست. ويژگي‌هاي نداي ابليس

از ميان احاديث مطرح کننده نداي شيطاني، بيشتر آن‌ها منادي را «ابليس» معرفي مي‌کنند که نيمي از آن‌ها، سندشان معتبر است[3].

مکان نداي ابليس، زمين معرفي شده است. در روايتي كه از عبدالله بن سنان از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است، صوت او از آسمان معرفي مي‌شود. در اين حديث چنين آمده است: «ابليس لعين از زمين بالا مي‌رود، تا اين‌که ناپديد مي‌شود و سپس ندا مي‌دهد» (نعماني، همان: ص269). روايت ديگري نيز به اين مضمون وارد شده است. به سبب روايات ديگر که دال بر زميني بودن نداي ابليس است، مي‌توان از اين دو حديث، صرف نظر کرد يا اين‌که بگوييم به دليل باطل بودن نداي ابليس، اين ندا ـ كه از آسمان پخش مي‌شود ـ زميني معرفي شده است و در مقابل، نداي آسماني، هم از آسمان است، هم به دليل بر حق بودن آن، آسماني معرفي شده است. مؤيد اين مطلب روايتي است که از هشام بن سالم از امام جعفر صادق عليه السلام نقل شده است. در اين حديث آمده است: «واحدة من السماء و واحدة من ابليس» (نعماني، همان: ص274). اين روايت، به جاي زميني معرفي کردن نداي ابليس، آن را از ابليس معرفي مي‌کند. گويي مراد از آسماني بودن نداي آسماني، حقانيت آن است که اين گونه يکي آسماني و يکي از ابليس در مقابل هم مطرح مي‌شوند.

بيشتر احاديث، زمان نداي شيطاني را آخر روز مي‌دانند (نعماني، همان: ص262؛ صدوق، همان: ج2، ص558؛ طوسي، همان: ص435 و454). و احاديثي، زمان آن را فرداي نداي آسماني معرفي مي‌كنند (نعماني، همان: ص267 و269). بنابر تکرار نداي آسماني در شب و اول روز بيست و سوم، نداي ابليس به نسبت هر يک، زمان متفاوتي پيدا مي‌کند و تفاوت مطرح شده در اين احاديث مي‌تواند از اين جهت باشد؛ ولي نقطه اشتراك اين روايات، متأخر بودن نداي ابليس، در مقايسه با نداي آسماني است؛ يعني نداي آسماني ـ چه يک بار باشد يا دو بار ـ قبل از نداي ابليس واقع مي‌شود و نداي ابليس، واكنشي مقابل آن است.

محتواي نداي ابليس بر مظلوميت خليفه سوم و به ناحق ريخته شدن خون او و طلب خونخواهي براي او زير پرچم سفياني است که از دودمان بني اميه مي‌باشد. بيش از ده حديث، به محتواي نداي ابليس اشاره دارند (نعماني، همان: ص262 و267 و269 و272؛ طوسي، همان: ص435؛ صدوق، همان: ج2، ص558). به نظر مي‌رسد با توجه به کثرت مسلماناني که عثمان بن عفان را به عنوان خليفه سوم قبول دارند، مطرح كردن حقانيت وي به دليل دستيابي به وجاهتي براي سفياني ميان مسلمانان باشد و آنان دنباله رو سفياني شده يا حداقل دچار شک و ترديد شوند و از همراهي با حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف کناره گيرند. مي‌توان گفت آن هنگام ابليس دستمايه‌اي بهتر از اين براي تقويت جبهه باطل به فرماندهي سفياني ندارد.

دوم. هدف از نداي ابليس

نداي ابليس، پايان روزي که نداي آسماني در آن اتفاق مي‌افتد يا فرداي آن روز، نشان از واكنش سريع اهل باطل به سرکردگي ابليس است و هدف آن جلوگيري از تأثير نداي آسماني و ترديد در دل شنوندگان آن است. احاديثي با عبارت‌هاي «ليشکک الناس و يفتنهم» و «يشکک الناس» به اين مطلب اشاره دارند (نعماني، همان: ص262؛ صدوق، همان: ج2، ص556).

سوم. تأثير نداي ابليس

نداي ابليس، باعث شک و ترديد در دل اهل باطل و بازگشتن آنان از پذيرش نداي آسماني مي‌شود. عبارت «فعند ذلک يرتاب المبطلون» در چند حديث تکرار شده است که نشان از شک اهل باطل، بعد از شنيدن نداي ابليس دارد (طوسي، همان: ص435 و454؛ صدوق، همان: ج2، ص558).

طبق برخي احاديث، اهل باطل، نداي آسماني را سحري از جانب اهل‌بيت عليه السلام مطرح مي‌کنند و از آن باز گشته و با نداي ابليس دلگرم مي‌شوند و به دنبال مقابله با نداي آسماني و اهل حق مي‌افتند؛ ولي اهل ايمان، ثابت قدم مي‌مانند و نداي شيطان در آنان تأثيري نمي‌گذارد (نعماني، همان: ص267).

خاتمه

نداي آسماني را مي‌توان به وسيلة مقدم بودن بر نداي ابليس و آگاهي قبلي از رخ دادن آن و نيز از روي محتواي آن شناخت؛ زيرا نداي آسماني به معرفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌پردازد؛ کسي که همة مسلمانان به آن عقيده دارند و او را از فرزندان حضرت فاطمه عليها السلام مي‌دانند؛ در حالي که نداي ابليس، مردم را به سوي فردي از بني اميه فرا مي‌خواند. براي شناخت ندا توسط مردم، وظيفه عالمان دين را نبايد فراموش کرد که بايد اين آگاهي‌ها را در آن زمان به مردم برسانند. اين مطالب در احاديث اهل‌بيت عليه السلام مطرح شده است (نعماني، همان: ص262 و267 و 269 و 272 و273 و274؛ كليني، همان: ج8، ص208).

به دنبال اعلان نداي آسماني، وظيفه ما گوش دادن به محتواي آن و دنباله روي از آن است که در احاديث، عبارت‌هايي چون: «فرحم الله من اعتبر بذلک الصوت فاجاب» (نعماني، همان: ص262) يا «و اسمعوا و اطيعوا» (صدوق، همان: ج2، ص558) يا «فاتبعوا الصوت الاول» (نعماني، همان: ص270) اين مطلب را مي‌رساند.

نداهاي ديگري در روايات اهل‌بيت عليه السلام با عنوان نداي بعد از بيعت جبرئيل عليه السلام با حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف در کنار کعبه (صدوق، همان: ج2، ص589؛ عياشي؛ 1380: ج2، ص254) و نداي قبل از پايان دنيا (نعماني، همان: ص335؛ عياشي، همان: ج1، ص207) مطرح شده‌اند که به دليل کمي روايت دربارة آن‌ها و نبود حوصله اين نوشتار متذکرشان نمي‌شويم.

در پايان، اين نکته قابل ذکر است که عامه نيز نداي آسماني را مطرح كرده‌اند. آنان قايل به سه صوت هستند: اولين آن‌ها، صوتي بدون محتوا در نيمه ماه مبارک رمضان (حاكم نيشابوري، 1411: 4، 563) و دومين آن‌ها، نداي آسماني با محتوا که به معرفي حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌پردازد (اموي داني، بي‌تا: 268) و سومي نداي بعد از خروج حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف است که فرشته‌اي بالاي سرش ندا مي‌دهد (ابن عدي، 1409: ج5، ص296). بررسي و به تفصيل سخن گفتن از آن‌ها، نوشتار ديگري مي‌طلبد.

منابع

1. ابن عدي، عبدالله، الکامل، لبنان، دارالفکر، 1409 ق.

2. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، لبنان، دار صادر، بي‌تا.

3. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، السيرة النبوية، لبنان، دارالمعرفة، بي تا.

4. ابوالفتوح رازي، حسين بن علي، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، مشهد، آستان قدس رضوي، 1408ق.

5. اربلي، علي بن عيسي، کشف الغمه، تبريز، مکتبة بني هاشمي، 1381ق.

6. اموي داني، عثمان بن سعيد، السنن الواردة في الفتن، اردن، بيت الافکار الدوليه، بي‌تا.

7. بحراني، هاشم، البرهان في تفسير القرآن، تهران، بنياد بعثت، 1416ق.

8. بحراني، هاشم، المحجة فيما نزل في القائم الحجة، قم، بي‌جا، بي‌تا.

9. حاکم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک علي الصحيحين، لبنان، دارالکتب العلميه، 1411 ق.

10. حر عاملي، محمد بن حسن، اثبات الهداة، قم، العلميه، بي‌تا.

11. حسيني، شرف‌الدين، تأويل الآيات الظاهره، قم، اسلامي، 1409ق.

12. حميري، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، کتابخانه نينوا، بي تا.

13. خراساني، جواد، مهدي منتظر، تهران، لاهوت، 1384ش.

14. خزاز قمي، علي بن محمد، کفاية الاثر، قم، بيدار، 1401ق.

15. خصيبي، حسين بن حمدان، الهداية الکبري، لبنان، البلاغ،1419ق.

16. دمشقي، اسماعيل بن عمر بن کثير، البداية و النهاية، لبنان، دار الفکر، 1407 ق.

17. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، بيروت، دارالمعرفة، بي‌تا.

18. راوندي، قطب الدين، قصص الانبياء، مشهد، بنياد پژوهشهاي آستان قدس رضوي، 1409 ق.

19. شيخ صدوق، محمد بن علي بابويه، عيون اخبار الرضا، بي‌جا، جهان، 1378ق.

20. شيخ صدوق، محمد بن علي بابويه، کمال الدين و تمام النعمه، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحديث، 1380 ش.

21. شيخ صدوق، محمد بن علي بابويه، من لايحضره الفقيه، قم، اسلامي، 1413ق.

22. شيخ طوسي، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، لبنان، دار احياء التراث العربي، بي‌تا.

23. شيخ طوسي، محمد بن حسن، التهذيب، تهران، دارالکتب اسلاميه، 1365 ش.

24. شيخ طوسي، محمد بن حسن، الغيبه، قم، معارف الاسلامي، 1425 ق.

25. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، اختصاص، قم،کنگره شيخ مفيد، 1413 ق.

26. شيخ مفيد، محمد بن محمد نعمان، الارشاد، قم، کنگره شيخ مفيد، 1413 ق.

27. صدر، محمد، تاريخ ما بعد الظهور، لبنان، دارالتعارف للمطبوعات، 1412ق.

28. طباطبايي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، قم، اسلامي، 1417ق.

29. طبري، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوک، لبنان، دارالتراث، 1387 ق.

30. طريحي، فخر الدين، مجمع البحرين، تهران، مرتضوي، 1362ش.

31. عاملي، جعفر مرتضي، دراسة في علامات الظهورو الجزيرة الخضراء، قم، جبل عامل الاسلامي،1412ق.

32. عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، تهران، چاپخانه علميه، 1380 ق.

33.فراهيدي، خليل بن احمد، العين، بي جا، دارالهجرة، 1409 ق.

34. قزويني، محمد کاظم، الامام المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف، من المهد الي الظهور، قم، محلاتي، 1380 ش.

35. قمي، علي بن ابراهيم، تفسير القمي، قم، دارالكتاب، 1404ق.

36. کليني، محمد بن يعقوب، الکافي، لبنان، دار الاضواء، 1405ق.

37. مجلسي، محمد باقر، بحارالانوار، لبنان، مؤسسه الوفاء، 1404 ق.

38. مروزي، نعيم بن حماد، الفتن، لبنان، دارالکتب العليمه، 1423ق.

39. مسعودي، علي بن الحسين، اثبات الوصيّه، لبنان، دارالأضواء، 1409ق.

40. معتزلي، عبدالمجيد بن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آيت الله مرعشي، 1404 ق.

41. مکارم شيرازي، ناصر و ديگران، تفسير نمونه، تهران، دارالکتاب اسلاميه، 1374 ش.

42. موسوي اصفهاني، محمد، مکيال المکارم، قم، ايران نگين، 1381 ش.

43. نعماني، محمد بن ابراهيم، الغيبه، قم، مدين، 1426.

تاريخ دريافت: 20/4/1388

تاريخ تأييد: 5/6/1388

[1]. اگر گفته شود در نقل احاديث، اصل عدم زياده، بر اصل عدم نقيصه مقدم است و به دليل ذکر نشدن نيمي از روايت در نقل شيخ صدوق، نقل شيخ طوسي و نعماني بر آن مقدم است و با اين بيان، نداي آسماني درماه رجب توسط اين حديث ثابت مي شود، مي گوييم در مورد يک يا دو کلمه يا يک جمله احتمال غفلت و افتادگي از راوي يا نساخ پذيرفتني است؛ ولي نمي توان پذيرفت که ذکر نکردن چندين سطر توسط شيخ صدوق از روي غفلت باشد، مگر اينکه بگوييم شيخ صدوق به دليل عدم اعتماد به بقيه حديث به دليل اختلاف در نقل‌ها از آوردنش صرف نظر کرده است.

[2] . وقتي پيامبر صلي الله عليه و آله در جمره عقبه با اهل يثرب مشغول بستن پيمان بود، ابليس با نداي خود اهل مكه را براي مقابله با پيامبر صلي الله عليه و آله با خبر كرد.

[3] . منبع اين روايات در بحث ويژگي‌هاي نداي ابليس به تدريج ذكر مي‌شود.